

آسیب شناسی فرزند سالاری در جامعه کنونی از دیدگاه اسلام

زهرا جلیلی^۱

چکیده:

در اسلام، تربیت از اهمیت والایی برخوردار است و پدر و مادر برای موفقیت در این امر باید روش‌های صحیح تربیتی را فراگیرند. یکی از مشکلات تربیتی جامعه کنونی فرزندسالاری است. فرزند سالاری یعنی بیان وضعیتی که در آن، فرزندان مستقیم یا غیر مستقیم محور و اساس تصمیم‌گیریها، فعالیتها و مجموعه امور مختلف خانواده قرار می‌گیرند و همه مسائل خانواده به طور کلی بر اساس نیازها، خواسته‌ها و اهداف آنان استوار می‌شود و زمانی که تعادل در روابط خانواده بر هم می‌خورد، تمام اعضا ضرر می‌کنند. فرزندسالاری با تضییع حقوق دیگران در عرصه‌های مختلف اجتماعی و ترویج رفتارهای خاص، لطماتی را به جامعه وارد می‌کند. از اثرات تخریبی فرزندسالاری، ضایع شدن حقوق سایر اعضای خانواده، به ویژه پدر و مادر است. و این امور آسیب‌های زیادی به خود فرزند، خانواده و جامعه می‌رساند و باعث ایجاد قدرت طلبی، بی‌مسئولیتی و طلبکار شدن آنها در آینده می‌شود بنابراین این مقاله ابتدا با مفهوم‌سازی‌های اولیه از فرزند سالاری شروع و در ادامه مفاهیم مرتبط با آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و هدف اصلی تحقیق، بررسی فرزندسالاری، عوامل ایجاد، معایب و پیامدهای آن در جامعه کنونی می‌باشد.

کلیدواژه: آسیب، اسلام، خانواده، فرزندسالاری

^۱ - طلبه سطح دو مدرسه علمیه زینبیه شهرستان میانه

مقدمه :

بی تردید، خانواده و چگونگی روابط میان اعضای خانواده و کیفیت ارتباط والدین با فرزندان در شکل‌گیری شخصیت و رشد اجتماعی، عاطفی و عقلانی فرزندان نقش و اهمیت فراوانی دارد. خانواده و نفوذ والدین بر فرزندان به جنبه‌های اثری محدود نمی‌شود؛ بلکه در تمام ابعاد وجودی فرد نقش مؤثری ایفا می‌کند. کودکان از طریق محیط کوچک خانواده با دنیای خارج آشنا می‌شوند و راه رسم زندگی، اخلاق، فلسفه اجتماعی، آداب و رسوم را فرا می‌گیرند. از منظر تربیتی، فرزندسالاری یک نوع شیوه فرزندپروری و رابطه فرزند والد است. شیوه‌ای که در آن فرزند خانواده برای دستیابی به اهداف و خواسته‌های خویش نسبت به سایر اعضا حتی پدر و مادر خویش از تسلط کافی برخوردار است و با توجه به آزادی مطلقی که بر فضای چنین خانواده‌ای حکمفرما می‌باشد، او می‌تواند به راحتی با بهره گرفتن از امکانات و شرایط بر دیگران حکمرانی کند و چیزی یا کسی نمی‌تواند مانع وی شود و نظرات و دیدگاه‌های خویش را بر اعضا خانواده، حتی والدین خود تحمیل کرده و به اجرا در آورد.

آقایان ایران منش و مصطفوی^۱ در تحقیقی با عنوان "رابطه فرزندسالاری با آسیب‌های اجتماعی" فرزندسالاری را پدیده نوینی تعریف کرده‌اند که آثار و تبعاتی خطرناک دارد و متأسفانه امروزه صدا و سیما، رسانه‌ها، مسئولین، روانشناسان، جامعه‌شناسان، اساتید و صاحب نظران از آثار آن غافل مانده‌اند و این پدیده‌ای است که در جامعه امروزی ما رایج و عادی شده است و روز به روز بدتر می‌شود. پدیده فرزندسالاری را چنین می‌توان تعریف کرد که خانواده‌ها فرزندان را کمتر درگیر مسئولیت‌ها و سختی‌های زندگی می‌کنند و سطح رفاه آنان را تا آنجا که توانسته‌اند بالا برده‌اند.

امیرحسین محمدپناه^۲ در پایان نامه خود با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی فرزندسالاری در جوامع شهری" نتیجه‌گیری می‌کند والدین، انتظارات، توقعات و خواسته‌های به حق و حتی نابجای فرزندان را به سهولت فراهم می‌نمایند و فرزندان در طول مدت زندگی خود با خانواده، بدون هرگونه دغدغه و سختی و قبول مسئولیت، کار و تلاش بزرگ می‌شوند و ارتباط کمتری با جامعه دارند و این روش‌ها پدیده خطرناک فرزندسالاری را ایجاد کرده است و باعث رواج روز به روز آن می‌شود.

اما محقق در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده و جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای است، در ابتدا به تعریف جامعی از فرزندسالاری و سپس به بررسی کامل آسیب‌های فرزند

^۱ - علی ایران منش و مصطفوی، مقاله رابطه فرزند سالاری با آسیب های اجتماعی، ۱۳۸۹

^۲ - امیرحسین محمدپناه، تحلیل جامعه‌شناختی فرزندسالاری در جوامع شهری، ۱۳۸۷

سالاری در جامعه کنونی از دیدگاه اسلام پرداخته و همچنین در انتها نظر دین در این موضوع را بیان کرده است.

۱ - مباحث مقدماتی

۱-۱. تعریف ساختاری فرزندسالاری:

اگر ساختار را مجموعه‌ی نقش‌ها، نوع رابطه و ترکیب آنها با هم در خانواده بدانیم، درمی‌یابیم که امروزه جایگاه، نقش و مناسبات اعضای خانواده دچار دگرگونی شده و عناصر آن جایگاه و نقش دیگری پیدا کرده‌اند. پیدایش خانواده‌هایی با ساخت هسته‌ای در قرن اخیر، بستر مناسبی را برای فرزندمحوری و فرزندسالاری به وجود آورده است. حال آنکه در گذشته، به علت وجود خانواده‌هایی با ساخت گسترده و تناسب ساخت چنین خانواده‌هایی با ریش‌سفیدسالاری، اصولاً با پدیده‌ی فرزندسالاری روبه‌رو نبوده‌ایم. امروزه در خانواده‌های هسته‌ای، کاهش اقتدار پدر و افزایش حقوق مادر و همچنین همسان‌پنداشتن فرزندان با بزرگسالان، سنگ بنای مناسب برای پیدایش و رشد فرزندمداری و فرزندمحوری را فراهم کرده است. به طوری که فرزندان دارای اعتبار، ارزش و اهمیت بیشتری در چشم والدین شده‌اند.^۱

۱-۲. مفهوم‌شناسی فرزند سالاری از دیدگاه روانشناسی:

روانشناسان معتقدند که محیط خانه اولین و مؤثرترین عامل در رشد شخصیت افراد خانواده است. کودکان و فرزندان از طریق اولین واحد اجتماعی خود (خانواده) با محیط خارج از خانه، محیط‌های کوچک‌تر و بزرگ‌تر ارتباط برقرار می‌کنند که طرز معاشرت و روابط اجتماعی، راه و رسم زندگی، اخلاق و ... فرا می‌گیرند. در خانواده‌های فرزندسالار بی‌چون و چرا به خواسته‌های فرزندان خود جامعه عمل می‌پوشانند و اینجاست که خانواده به‌سوی مدرن شدن پیش می‌رود اما دلیل دیگری که پشت فرزند سالاری از دیدگاه روان‌شناسی وجود دارد، نگرانی والدین از آینده کودک است؛ و برای کم کردن این نگرانی‌ها والدین تمام تلاش خود را برای برآورده کردن اهداف فرزندان‌شان انجام می‌دهند و در این راه از نیازها و خواسته‌های خود می‌گذرند.

^۱ - پدیده فرزندسالاری، حسین بافکار، انتشارات دین و رسانه، ۱۳۹۷

این خانواده‌ها در تمامی تصمیم‌ها، انتخاب‌های مهم و اداره‌ی خانه بیش‌ازحد به نظرات فرزندان خود توجه می‌کنند، باوجود چنین شرایطی فرزندان هم بیشترین نفوذ را به والدین خود پیدا خواهند کرد. فرزند سالاری از دیدگاه روانشناسی علاوه بر اینکه ضعف والدین را در تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهد، مشکلاتی را ازجمله: لوس بار آمدن فرزندان، بی‌مسئولیتی، بی‌احترامی به بزرگ‌ترها، غرور و تکبر بیش‌ازحد، دست‌کم گرفتن دیگران و حتی اختلالات یادگیری و... را به بار می‌آورد بنابراین فرزند سالاری از دیدگاه روان‌شناسی روشی نادرست برای فرزند پروری است و والد باید بیشتر انرژی خود را بر روی افزایش آستانه‌ی تحمل و استقلال فرزندان خود بگذارند. محبت و صمیمیت مهم‌ترین ارکان پایداری در خانواده است، اما محبت و صمیمیت بیش‌ازحد باعث ایجاد مشکل می‌شود و باید به حدی باشد که قدرت پدر و مادر زیر سؤال نرود؛ اما زمانی که محبت بیش‌ازحد باشد اهمیت واژه‌ی (احترام) کمرنگ می‌شود و صمیمیت زیاد باعث از بین رفتن مرز بین آن‌ها می‌شود و دراین بین کودکان از والدین خود انتظارات زیادی دارند؛ بنابراین والدین باید به‌صورت منطقی و به‌جا نیازهای کودک را برآورده کنند.^۱

۱-۳. فرزند سالاری از دیدگاه پیشوایان:

فرزندان در دست والدین امانت الهی هستند، باید پدران و مادران در حفظ و نگهداری آنها کمال دقت را داشته باشند و در مراقبت و نظارت بر اعمالشان از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزند.

در حدیث جامع و جالبی از رسول اکرم(ص) نیز آمده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ»^۲. بدانید همه شما نگهبانید و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستید، مسئولید. مرد، نگهبان خانواده خویش می‌باشد و در مقابل آنها مسئول است، زن نیز نگهبان خانواده شوهر و فرزندان و در برابر آنها مسئول می‌باشد. بدانید همه شما نگهبانید و همه شما در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستید، مسئولید. نگهبان موظف به پاسداری از چیزی می‌باشد که به او سپرده شده است، چنانچه خواهد آن امانت را رها کند و مانع ضررهای احتمالی نشود،

^۱ - مهری رحمانی، سالارهای غمگین: ریشه‌های کودک سالاری در ایران و برخوردهای ممکن، ۱۳۸۲

^۲ - ابوالحسن ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ۱۳۷۶ هـ ق

گر چه ممکن است کودکانی بخواهند در خانه نقش حاکم و فرمانده را ایفا کنند و زمام امور را در اختیار بگیرند و والدین آنها نیز به این امور بی تفاوت باشند و گمان کنند تخلفی که او انجام می‌دهد ناچیز است، پس می‌توانند دست او را در عمل باز گذارند؛ غافل از اینکه کودک موجود سیری ناپذیر است و چنان نیست که اگر در امری آزاد گذارده شد، به همان مقدار قناعت کند، بلکه هر قدمی که والدین به عقب بردارند، او جلوتر می‌آید و فرجام چنین آزادی آن خواهد بود که سلطه کودک همه را تحت قبضه خود قرار داده و حیات همگان را دچار آسیب خواهد کرد. این نکته مهم و اساسی در روایت شریفی از امام علی(ع) اشاره شده است: «جُرْأَةُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ»^۱. «وقتی فرزند در کودکی جرأت (جسارت کردن به پدر خود را) پیدا کند، در بزرگسالی (و به تدریج) باعث عاق پدرش خواهد شد. بنابراین رابطه والد فرزند از همان ابتدا باید طبق یک برنامه ریزی صحیح تربیتی و در یک فضای عاطفی و دوستانه و در عین حال آزادانه و با احترام به گونه‌ای شکل گیرد که هم فرزند احترام پدر خود را حفظ کند و هم پدر بتواند با روشی صحیح از بروز لغزشها و انحرافات فرزند خود جلوگیری کند و او را به سوی رشد و کمال سوق دهد و از هرگونه سخت گیری پرهیز نماید»^۲.

۲- ویژگی های خانواده های فرزند سالار

۲-۱. توجه بیش از اندازه والدین به فرزندان در کودکی:

در پدیده فرزند سالاری، فرزندان در دوره کودکی، محور خانواده‌اند و دوره آسوده‌ای را سپری می‌کنند، به گونه‌ای که والدین سرسپردگی کامل نسبت به بچه‌ها دارند چون فکر می‌کنند باید در انجام وظایف پدرانه و مادرانه خویش از هر چیز بگذرند و در بست در اختیار فرزندان باشند چنین فکری مفهومی این است که کودک در هر لحظه کانون توجه قرار می‌گیرد^۳. این دسته از والدین بر این باورند که دیر یا زود فرزندان شان با سختی‌های زندگی روبرو خواهند شد پس بهتر است حداقل ایام کودکی خود را به شادی و شادکامی سپری کنند. بنابراین والدین در پدیده فرزند سالاری وجود خود را برای کودک به طور کامل ضروری می‌دانند و می‌کوشند آنها را در برابر مشکلات زندگی محافظت کنند و بسیاری از کارها را خود انجام دهند^۴.

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۰هـ.ق، ص ۲۶۹.

۲- عالمه سادات موسوی، تربیت فرزند و آثار و برکات آن برای والدین

۳- البیس مولوانی، چگونه با فرزندان خود ارتباط برقرار کنیم ترجمه ضیاءالدین رضاخانی ص ۸۵ _ ۸۳

۴- پل هاک موفقیت در تربیت فرزندان ترجمه حسین صیفوریان و محمد طاهر ارسی صفحه ۵۱

می‌خواهند و ناکامی‌های خود را درباره اهداف مورد علاقه‌شان نمی‌توانند بپذیرند. غافل از اینکه قانون، همچون والدینشان بخشش ندارد و از اشتباه‌هایشان چشم‌پوشی نخواهد کرد. چنین فرزندی تنها پس از محدودیت قانون از سوی مراجع اجتماعی به این واقعیت تلخ پی خواهد برد که قانون و دیگران آنچه را که در خانه می‌توانست انجام دهد تحمل نخواهند کرد^۱. حقیقت این است که اهمیت و تسلط این جوانان در خانه نمی‌تواند در دنیای خارج هم صادق باشد از این رو شوک بزرگی به آنها وارد می‌شود^۲.

۳-۳-۳. تأخیر در روند جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن فرایندی است، که چگونه زیستن را به انسان می‌آموزد و ظرفیت‌های او را برای انجام وظایف فردی به عنوان عنصر جامع توسعه می‌بخشد^۳. از دیدگاه دیگر جامعه‌پذیری، فراگردی است که طی آن شیوه‌های رفتاری، باورها، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص جامعه را فرد یاد می‌گیرد و آن را جز شخصیت خود می‌سازد^۴.

بی تردید خانواده مهمترین عامل در اجتماعی بار آوردن فرزندان است زیرا خانواده مانند جامعه کوچک است و فرزندان در خانواده با چشم انداز جهان و الگوهای رفتاری ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی آشنا می‌شوند و می‌کوشند رفتارشان بر اساس الگوها باشد از این رو وقتی پدیده فرزند سالاری در خانواده حاکم باشد به جهت اینکه بیشتر وظایف فرزندان را والدین انجام می‌دهند فرزندان از درک سختی‌ها و واقعیت‌های زندگی باز می‌مانند که سبب می‌شود فرزندان دیرتر با موانع محدودیت‌ها و واقعیت‌های جامعه آشنا شوند. این گونه افراد اگر در مسیر مناسبی قرارگیرند، نمی‌توانند منطقی سازگار و مورد پسند رفتار کنند زیرا به طور معمول در برخورد با ناملازمات داد و فریاد به راه انداخته و تمام شان و متانت خود را از دست می‌دهند^۵.

۴- کم توجهی والدین به آموزه‌های دینی در زمینه تربیت

از عوامل اثرگذار در پدیده فرزند سالاری کم توجهی والدین نسبت به بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در زمینه تربیت است البته در رخ دادن این مشکل، چند عامل نقش دارد که یکی از آنها تبلیغات مسموم موجود در جوامع است که دین ستیزان به آن دامن می‌زنند. آنها مبلغ این باور اشتباه هستند که می‌گویند،

^۱ - موفقیت در تربیت فرزندان صفحه ۶۸

^۲ - روانشناسی ناپهنجار و زندگی نوین صفحه ۱۷۳

^۳ - بروس کوئن مبانی جامعه شناسی ترجمه غلام عباس توسلی صفحه ۱۰۳

^۴ - هدایت الله ستوده و دیگران مفاهیم کلیدی جامعه شناسی صفحه ۹۴

^۵ - موفقیت در تربیت فرزندان صفحه ۶۸

به کودک و نوجوان نباید هیچ گونه عقیده و مذهبی را آموخت. آموزش هر نوع مذهب و عقیده دینی به کودک خلاف حقوق بشر و آزادیست، بلکه باید او را آزاد گذاشت تا بزرگ شده تا دین و مسلکی را بر مبنای شناخت خویش برگزیند.^۱ این در حالی است که اگر بر خانواده‌ها فضای دینی حاکم نباشد و فرزندان بدون توجه به آموزه‌های دینی پرورش یابند و والدین نسبت به اطاعت از دستورهای الهی بی‌اعتنا باشند؛ چگونه انتظار دارند فرزندان‌شان به فرمان آنان توجه کند. آموزه‌های دینی به فرزندان سفارش می‌کنند که در هر شرایطی به والدین احترام بگذارند و از آزار آنان بپرهیزند و در حدود عقل و دین، از دستورهای مشروع آنان اطاعت کنند؛ ولی برخی والدین از این راهکار مهم غافل هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره گفته است: "وای بر فرزندان آخرالزمان از شیوه ناپسند پدرانشان". عرض شد یا رسول الله پدران مشرکان؟ فرمود: خیر بلکه پدران مسلمانی که چیزی از فرایض اسلامی و معارف دینی را به فرزندان‌شان نمی‌آموزند.^۲ آموزه‌های اسلامی و متون دینی، ما را به رعایت حد میانه و آزادی مشروط در روابط بین اعضا خانواده و از جمله رابطه والد و فرزند توصیه می‌کند زیرا در فرهنگ اسلام آنچه در اختیار انسان است، از جمله فرزندان، امانت الهی‌اند و خانواده مسئول حفظ سلامت، رشد و سعادت آن‌هاست. همان‌طور که فرزندان وظایف و مسئولیت‌های زیادی در برابر والدین خود دارند و چند بار در قرآن به اطاعت از والدین و نیکی به آن‌ها دستور داده شده است. پدران و مادران نیز در برابر تعلیم و تربیت فرزندان خود و رشد و کمال آن‌ها مسئول و مکلف هستند و به آن‌ها اجازه داده نمی‌شود فرزندان خود را در آزادی مطلق و بی‌عنان رها کنند و آنچنان سهل‌گیر شوند که فرزندان بتوانند به هر کاری که مایلند دست زنند و بدون هرگونه مراقبت و نظارتی به هر کجا که می‌خواهند سرکشی کنند و به هر اقدامی که دل‌شان بخواهد، مبادرت ورزند.

اگر در خانواده ای فرزند سالاری مشاهده می‌شود این یک نوع آسیب محسوب می‌شود که آن هم به علت، عدم آشنایی خانواده‌ها با سبک زندگی اسلامی و آشنایی نسبت به حقوق اسلامی خود است. از آنجا که تهاجمات فرهنگی دشمن افزایش یافته و تبلیغات دینی در جامعه کاهش یافته است، سطح سواد دینی خانواده‌ها نیز به تبع کاهش یافته است که نتیجه آن، تغییر جایگاه عناصر در ساختار خانواده است.^۳

نتیجه گیری:

^۱ - هشدارهای تربیتی صحیح ۱۲۶

^۲ - میرزا حسن نوری طبرسی مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۲ ص ۶۲۵

^۳ - مریم محی‌آبادی‌نژاد، پدیده فرزندسالاری از منظر اسلام، ۱۴۰۲، ناشر اساتید دانشگاه

در جامعه کنونی تغییرات گسترده ای در سبک فرزندآوری ایجاد شده است و خانواده با آسیبی بنام فرزند سالاری روبرو شده است. از منظر آموزه های دینی فرزندسالاری نه تنها تائید نشده است بلکه یک معضل شناخته شده است که می تواند اساس موجودیت یک جامعه را سست کرده و به تدریج به نابودی بکشد. کودکان از حساس ترین و تاثیرپذیرترین اقشار اجتماعی در برابر هرگونه انقلاب و تحول فکری، فرهنگی و اجتماعی هستند و بدین گونه آینده ی هر جامعه با اولین جرقه های تحولات آموزشی و تربیتی در کودکان نهاده می شود. جامعه، خانواده ای بسیار عظیم با موثریت های مثبت و یا بعضا منفی است که کودک بعد از خانواده و مکتب، که آنهم بخشی از پیکر اجتماع است به سرعت وارد آن می شود.

یکی از این عواقب پدیده ای جدید به نام فرزندسالاری است. فرزندسالاری چیزی نیست جز سلطه ای بی چون و چرای فرزندان بر والدین و اصرار در برطرف کردن نیازهای آنان به هر قیمت ممکن. به عبارت دیگر فرزندسالاری همان به دست گرفتن عنان اختیار والدین است توسط فرزندان. در این میان پدران و مادران تبدیل می شوند به مجریانی که تمام هم و غم شان این است که مبدا چیزی از خواسته های فرزندان از قلم بیفتد و وقتی به خود می آیند که خاکستر پیری و فرسودگی بر چهره های شان نشسته و عمر طولانی را فقط در برآورده ساختن خواهش های بی پایان فرزندان شان بیهوده و بدون هیچ دست آوردی سپری کرده اند. شاید یکی از توجیه های والدین برای چنین رفتاری عدم دسترسی آنان به امکانات رفاهی در دوران کودکی شان بوده است. این دسته از پدران و مادران، فرزندان خود را به مثابه راهی برای جبران کمبودها و نارسایی هایی می دانند که خود در طفولیت با آن دست و پنجه نرم می کردند. غافل از این که محاصره کردن کودک با انبوهی از امکانات رفاهی نه تنها آسایش را برای وی به ارمغان نمی آورد بلکه قدرت خلاقیت و ابتکار وی را نیز در کسب تجارب محیط و آموزش های رسمی از او سلب می کند و این مسئله آسیب اجتماعی بزرگی در پی دارد.

این پدیده در بسیاری از خانواده های امروزی به ویژه قشر مرفه و بی درد جامعه به وفور به چشم می خورد. فرزند های این خانواده ها در زمینه های مختلف در معرض آسیب های متعددی می باشند. این آسیب ها نه تنها افراد خانواده را درگیر می سازد. بلکه در نهایت جامعه را نیز با بحران هایی مواجه خواهد ساخت. فرزندسالاری که یکی از عوامل هسته ای کاهش جمعیت و مشکلا دیگر است در صورت شیوع می تواند بنیان جامعه را هدف قرار داده و در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی سیاسی و مذهبی آسیب زا باشد.

منابع:

قرآن کریم.

۱ - ایرانمنش علی، مقاله رابطه فرزند سالاری با آسیب های اجتماعی، ۱۳۹۸.

- ۲ - بافکار حسین ، پدیده فرزندسالاری ، ۱۳۹۰ ، انتشارات مرکز پژوهشهای اسلامی .
- ۳ - جیمز کاوینگتن کولمن ، روانشناسی نابهنجار و زندگی نوین ، ترجمه کیانوش هاشمیان ، ۱۳۷۷ ، ناشر: دانشگاه الزهرا ، ص ۱۶۳.
- ۴ - حرانی ابن شعبه ، تحف العقول ، ج سوم ، ۱۴۰۰ هـ ق ، انتشارات اسلامیة ، ص ۲۶۹.
- ۵ - دادستان ، پریخ ، روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی ، ناشر مرکز پخش و نمایشگاه دائمی ، ۱۳۷۶ ، چاپ بیستم.
- ۶ - رحمانی مهری ، سالارهای غمگین ریشه‌های کودک‌سالاری در ایران و برخوردهای ممکن ، ۱۳۸۲.
- ۷ - روانشناسی نابهنجار و زندگی نوین ، مترجم کیانوش هاشمیان ، ۱۳۷۷ ، چاپ اول .
- ۸ - ستوده ، هدایت و دیگران ، جامعه‌شناسی ، انتشارات آوای نور ، ۱۴۰۰ ، چاپ ۱۵.
- ۹ - شریعتمداری ، علی ، روانشناسی تربیتی ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۸۵ .
- ۱۰ - شری ، جان ، قدرت والدین ترجمه فاطمه اعلی ، انتشارات پیدایش ، ۱۳۹۵
- ۱۱ - فرگوسن شری ، ای مازین لارنس ، قدرت والدین ، ترجمه باقر ثنائی ، ص ۱۷۸.
- ۱۲ - فرزند سالاری ، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان ، ص ۲۷ .
- ۱۳ - قائمی ، علی ، حدود آزادی در تربیت ، ناشر انجمن اولیامرییان ، ۱۳۹۰ ، چاپ چهارم.
- ۱۴ - کوئن ، بروس ، مبانی جامعه‌شناسی ترجمه غلامعباس توسلی ، انتشارات سازمان مطالعات تدوین ، ۱۴۰۲ .
- ۱۵ - گوردون تامس ، آموزش موثر والدین ، مترجم: مهدی قراچه‌داغی ، ناشر: پیک بهار ، ص ۱۶۳.
- ۱۶ - محی‌آبادی‌نژاد مریم ، پدیده فرزندسالاری از منظر اسلام ، ۱۴۰۲ ، چ اول ، ناشر اساتید دانشگاه.
- ۱۷ - محمدپناه امیرعلی ، مقاله تحلیل جامعه‌شناختی فرزند سالاری در جوامع شهری ، ۱۳۸۷.
- ۱۸ - موسوی عالمه سادات، تربیت فرزند و آثار و برکات آن برای والدین ، ۱۳۹۲ ، مجله نلمه جامعه ، دی ، شماره ۱۰۷.

- ۱۹ - مولوانی آلیسون ، چگونه با فرزند خود ارتباط برقرار کنیم ، ترجمه ضیالالدین رضاخانی ، ناشر سخن ، ۱۳۸۱، ص ۸۳-۸۵.
- ۲۰ - مینوچین ، سالوادور ، خانواده و خانواده درمانی ترجمه باقر ثنایی ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۴۰۱.
- ۲۱ - نوری طبرسی ، میرزا حسین ، انتشارات آل بیت ، ۱۳۶۹ ، چاپ اول.
- ۲۲ - ورام بن ابی فراس ابوالحسن ، مجموعه ورام ، ج اول ، ۱۳۷۶ ه ق، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، ص ۶.
- ۲۳ - هاک پل ، موفقیت در تربیت فرزندان ، ترجمه حسین صیفوریان و محمدطاهر ارسی ، ناشر رشد ، چاپ سوم ، ص ۵۱ .